

شهادت، فتح الفتوح خادم الشریعه

تعدادی از فرماندهان برای بازدید از گردان های مستقر در خطوط مقدم به ایستگاه حسینییه رفته بود، پیش از آزادی خرمشهر بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید و بدین گونه، آسمان شهادت به ستاره درخشان دیگری از خطه مردخیز خراسان مزین شد....

آخرین دیدار

«مہین خادم الشریعه» خواهر بزرگ تر شهید محمد مهدی خادم الشریعه است . او که این روزها ۳۲ سالی می شود جای خالی برادر را در خانه احساس می کند هنوز هم یادش هست آخرین باری را که محمد مهدی رفت: «آخرین باری که به مشهد آمده بود، با همیشه خیلی فرق داشت گویی شهادت به او الهام شده بود. از رفتارش پیدا بود که از آینده باخبر است. همه وسایل اتاقش را یادداشت و آن چه را متعلق به سپاه بود با برچسب مخصوص مشخص کرد حتی لباس هایی را که از سپاه گرفته بود در کیسه ای گذاشت وسفارش کرد همه آن ها را به سپاه برگردانیم.» صادق خادم الشریعه، پدر شهید هم می گوید:

مادر محمد مهدی هنگام وداع و در یکی از اعزامهای او به منطقه گفت: «محمد مهدی دیگر بس است، به جبهه نرو من دیگر تحمل دوری ات را ندارم.» محمد مهدی گفت: «باشد، من به جبهه نمی روم. ولی مادر جان آیا شما در روز قیامت پاسخگوی حضرت زهرا(س) خواهید بود؟» مادرش هم در مقابل این سوال جوابی نداشت و سرش را پایین انداخت.سید غلامرضا امینی یزدی از همزمان شهید هم در خاطره ای از اقامه نماز جماعت در خاک عراق می گوید:قرار بود عملیات شناسایی انجام شود. محمد مهدی دنبال من آمد و گفت: « قرار است با میرزائی برای شناسایی به داخل خاک عراق برویم. آمادگی ام را اعلام کردم و همگی لباس عراقی پوشیدیم.» محمد مهدی با زبان عربی آشنایی داشت. بالاخره به داخل خاک عراق رفتیم. با گذشت زمان و موقع نماز همچنان که در حال عکس برداری و

شایستگی های شهید خادم الشریعه را بیش از پیش به نمایش گذاشت . پس از این عملیات سخت و طاقت فرسا بخش عمده نیروهای تیپ به همراه فرماندهان خود برای تجدید قوا به مرخصی رفتند ولی محمد مهدی برای بازسازی مجدد ارکان تیپ و با درک شرایط حساس جبهه به مرخصی نیامد و همچنان به انجام وظیفه پرداخت. پس از بازسازی تیپ از یک فرصت کوتاه استفاده و برای آخرین بار با خانواده اش دیدار کرد....

اردیبهشت ۶۱ فرا رسید. همه یگان های مستقر در جنوب، خود را برای عملیاتی حساس و سرنوشت ساز آماده می کردند. مراحل عملیات بیت المقدس با هدف آزادسازی خرمشهر آغاز شد. شهری که بوی خوش مقاومت آن بایوی گل های اردیبهشت در هم آمیخت و شاهدان شهید را از عطر بهشتی خودسر مست کرد.

سردار سرفراز چزابه، آزاد سازی خرمشهر را آرزوی دیرینه خود می دانست و در مراحل عملیاتی آزادسازی آن فعالانه شرکت و نیروهای تحت امر خود را به همین منظور آماده پذیرش مأموریت های جدید کرد. تجربه دفاع دلیرانه رزمندگان خراسانی در تیپ ۲۱ امام رضا(ع) در تنگه چزابه سبب شد فرماندهان نظامی و طراحان عملیات بیت المقدس مأموریت پدافند بخشی از منطقه عمومی خرمشهر را به این یگان واگذار کنند.

شهادت فتح الفتوحی برای فاتح چزابه...

خرمشهر پس از دوره ای خونین، خرمی خود را باز یافت و به آغوش وطن پیوست. آزادسازی خرمشهر، اگرچه برای ایران اسلامی فتح بزرگی بود، اما برای محمد مهدی فتح الفتوح بود، چرا که سپیده دم ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ و در گرماگرم پیشروی رزمندگان اسلام برای برداشتن آخرین گام ها برای ورود به خرمشهر، سردار دلاور خراسانی، زمانی که همراه

صادقی - تقویم تاریخ دفاع مقدس را که ورق می زنی به سوم خرداد ماه و عملیات غرور آفرین فتح خرمشهر می رسی. به روز «مقاومت، ایثار و پیروزی» رزمندگان اسلام که جانانه خونین شهر را از دست متجاوزان رها کردند. رزمندگانی که با ایمان سرشار و گوش به هدایت فرماندهان متواضع خود، جان را در طبع اخلاص گذاشتند و تا پای جان به دفاع پرداختند.

نمی شود از دفاع مقدس سخن گفت و از رشادت های دلاورمردان خراسان به ویژه، محمد مهدی خادم الشریعه اولین فرمانده تیپ ۲۱ امام رضا(ع) حرف نزد، هم او که فاتح چزابه است و ۱۷ بهمن سال ۶۰ در حماسه ای بزرگ به یاری همزمانش فرازی بلند در دفاع مقدس آفرید طوری که امام خمینی(ره) در پاسداشت این فداکاری فرزندان دلاور خود فرمودند: «این اعجاز به حول وقوه الهی در بازوان پرتوان رزمندگان به خصوص رزمندگان تیپ ۲۱ امام رضا(ع) به فرماندهی این سردار (شهید خادم الشریعه) نمایان شد.»

خادم شریعت....

محمد مهدی خادم الشریعه یکی از فرماندهان متواضع و آراسته به تقوا بود که خرداد ماه سال ۱۳۳۷ در سرخس پا به جهان گذاشت و در خانواده ای مذهبی پرورش یافت و در فعالیت های انقلابی حضور اثرگذار داشت. بعد از پیروزی نیز وقتی که تهاجم سازمان یافته و گسترده ارتش بعثی به مرزهای میهن اسلامی آغاز شد، هر کس دل در گرو امام و انقلاب و وطن داشت، حضور در جبهه را تکلیف عینی خود می دانست.

خادم الشریعه از قافله عقب نماند و به سوی جبهه شتافت. پس از چندی به عنوان فرمانده تیپ ۲۱ امام رضا(ع) انتخاب شد.

سردار فاتح چزابه

مقاومت اعجاز گونه و شگفت انگیز نیروهای تیپ ۲۱ امام رضا(ع) در تنگه چزابه، نبوغ نظامی و کارایی عملیاتی و

عکس نوشت

این ها در آسمان شناخته شده ترند

تا در زمین

* شاهد

هویت های شناسنامه ای «مجهول» بود، تا شهید «گمنام» بماند و الا انسان وقتی به شرف شهادت می رسد، تازه «معلوم» می شود و عیار ایمانش سرمه ای می شود که به فصل شهود چشم ها را بینا می کند... آری، آن روزها، مردانی، از «نام» گذشته، بی توقع «نان» آمدند تا «نام» ایران سرفراز و «نان» در سفره هموطنان ما گرم بماند. آمدند تا دشمن «بدنام» نتواند، لقمه های نان از گلولی کودکان این دیار به در آورده، آمدند، تا کوچه های خرمشهر را، خاک خرمشهر را، ذره به ذره به خون پاس دارند، آمدند، بی آن که کسی آنان را بشناسد، مثل یک پهلوان جنگیدند، «مجهول» ماندند تا «معلوم» کنند، اگر خدا را باور کنیم، اگر از «خویش» بگذریم، اگر از جامه نام و نشان، بیرون آییم، آن وقت در نام جاودانه شهید به «نامیرایی» خواهیم رسید و بر جهان «معلوم» خواهیم کرد، «مجهولات» معرفتی را... این عکس، به ظاهر قطعه ای از یک قبرستان است با تعدادی شهید مجهول اما به حقیقت، قطعه ای از بهشت است، با تعدادی نامه داران جاودانه که پرچم عزت و سرفرازی تاریخ اند. شعبه ای است از کربلا و قتلگاه و مردانی که خود را با سیدالشهدا تعریف کردند، بی نام آمدند، بی نام جنگیدند و در نام حسین و کربلا، «جاودان نام» شدند. شهید شدند و شاهد ماندند.



خرمشهر را
خدا آزاد کرد به
دستان توانمند
مردانی که از
مقام «عبدلهی»
به جایگاه
«یدالهی»
رسیدند و دست
خدا شدند

خدا خرمشهر
را آزاد کرد و
ما می آییم تا
دگر باره این خاک
بر مدار خدا گل
دهد و زمین یک
سره در شکوه
«خداشهر»
شکوفا شود



دست ها را بالا ببرید به شهادتی که شما خود دست خدایید
به فصل نبرد و ترجمان «ید»... فوق اینهم» در بازوان شما
جاری است، دست ها را بالاتر ببرید....

در آزادسازی خرمشهر، صدای
ماشین ها، «والعادیات ضیحا»
می خواند و ذره خاک و قطره آب،
مأموریت الهی خود را به انجام
رساندند تا راهی از این پل به
شهر باز شود و پل آزادی جاودانه
شود....

روزهای سخت نبرد و تیرهایی که دشمن
چله می کرد برای شکار مردانی که مرگ را
زندگی می کردند، او اما بی دانست اینان
به «نامیرایی» رسیده اند در قامت شهادت و
اگر دنیا گلوله شود باکشان نیست

این گلدسته هادر چشم فرشتگان
عزیزاند از بس اذان خوانده اند برای نماز
مردم این گنبد و گلدسته نزد آسمانیان
از اهل زمین آشناترند از بس نام خدا را
فریاد کرده اند

